

Identification of the Effective Factors in the Development and Enhancement of Managers' Critical Thinking

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Zeinab Khajevand ¹,
Ghorban Ali Aghaahmadi ^{2*},
Behzad Farrokh Seresht ³,
Saeed Eslami ⁴

How to cite this article

Zeinab Khajevand, Ghorban Ali Aghaahmadi, Behzad Farrokh Seresht, Saeed Eslami, Identification of the Effective Factors in the Development and Enhancement of Managers' Critical Thinking. *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(4); 91-102

1. PhD Student in Public Administration, Department of Management, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Management, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Management, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.
4. Associate Professor, Department of Political Science, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: aghaahmady@iauc.ac.ir

Article History

Received: 2020/12/26

Accepted: 2021/02/27

ePublished: 2021/03/15

ABSTRACT

Purpose: The ability to think critically is one of the skills that empowers managers to deal with new and unique issues in today's world and the age of information and communication. The purpose of this study is to identify the factors affecting the formation and promotion of managers' critical thinking. Which provided the ability to implement and operationalize in field studies.

Materials and Methods: This research is applied in terms of purpose and descriptive-correlational based on data collection. The statistical population of this study included all managers, numbering 174 people, of which 117 people were selected as a statistical sample based on Cochran's formula by simple random method. The data collection tool is a questionnaire of factors affecting the formation and promotion of researcher-made critical thinking with 49 items.

Findings: The research findings of the ks test showed that the test was parametric and Pearson correlation test showed that the effective factors in formation (communication and information, education and learning) and effective factors in promotion (media literacy, risk-taking and ambiguity tolerance).) Has had a positive effect on the formation and promotion of managers' critical thinking.

Conclusion: Based on the research findings, it can be acknowledged that organizational managers are more successful by strengthening the effective factors in the formation and promotion of critical thinking in the organization.

Keywords: Effective Factors, Formation, Promotion, Managers

شناسایی عوامل موثر در شکل‌گیری و ارتقای تفکر

انتقادی مدیران

زینب خواجهوند^۱

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

قربانعلی آقا احمدی^{۲*}

استادیار، گروه مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

بهزاد فرخ سرشت^۳

استادیار، گروه مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

سعید اسلامی^۴

دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

چکیده

هدف: توانایی تفکر انتقادی یکی از مهارت‌هایی است که مدیران را برای مواجهه با مسائل جدید و منحصر به فرد دنیای کنونی و عصر اطلاعات و ارتباطات توانمند می‌سازد. هدف از این پژوهش شناسایی عوامل موثر در شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران است. که قابلیت پیاده‌سازی و عملیاتی شدن را در مطالعه‌های میدانی فراهم آورد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس گردآوری داده‌ها، توصیفی، از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مدیران، به تعداد ۱۷۴ نفر بوده که از این میزان بر اساس فرمول کوکران تعداد ۱۱۷ نفر به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه عوامل موثر بر شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی محقق ساخته با ۴۹ گویه می‌باشد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش آزمون KS پارامتریک بودن آزمون را نشان داد و آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که عوامل موثر در شکل‌گیری (ارتباطات و اطلاعات، آموزش و یادگیری) و عوامل موثر در ارتقاء (سواد رسانه‌ای، ریسک‌پذیری و تحمل ابهام) بر شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران تاثیر مثبتی داشته است. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان ادعا داشت که مدیران سازمانی با تقویت عوامل موثر در شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی در سازمان موفق‌تر عمل می‌کنند.

واژگان کلیدی: عوامل موثر، شکل‌گیری، ارتقاء، مدیران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

*نویسنده مسئول: aghaahmady@iauc.ac.ir

مقدمه

توانایی تفکر انتقادی یکی از مهارت‌هایی است که انسان را برای مواجهه با مسائل جدید و منحصر به فرد دنیای کنونی توانمند می‌سازد. این توانایی به انسان کمک می‌کند تا با استفاده از مهارت استدلال و توانایی تحلیل و بررسی شرایط به انتخاب‌های صحیح دست یابد و قضاوت و ارزشیابی در زمینه انتخاب‌های وی را ممکن سازد.

تفکر انتقادی و کاربرد آن در سازمان با توجه به حجم بالای اطلاعات و گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی حائلی ضروری و بحرانی پیدا کرده است. مجهز شدن مدیران به چنین توانایی نیازمند برخورداری از توانایی ارزیابی و کاربرد صحیح اطلاعات در خصوص افراد، جامعه، اقتصاد، فرهنگ و ... می‌باشد (۱).

برای رسیدن به تفکر انتقادی و جهت رسیدن به چنین عملکردی، نقش مداخله‌گرانه‌ی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی بسیار چشمگیر است فاکون (۲). یادگیرنده‌ی دارای مهارت تفکر انتقادی ارتباط بین موضوعات مختلف و اطلاعات موجود در محیط‌های الکترونیکی و محتوای یادگیری را بهتر درک می‌کند و آنچه را یاد می‌گیرد با نیازهای خود در زندگی روزمره به خوبی ارتباط می‌دهد (۳). با توجه به گستردگی مفهوم، مهارت‌ها و پیش‌بینی‌کننده‌های تفکر انتقادی، همواره این سوال مطرح است که چه عوامل و فعالیت‌هایی بستر ساز تفکر انتقادی هستند. سواد رسانه‌ای به مثابه تفکر انتقادی، در درک شناختی و معرفتی مخاطبان ضرورت دارد و بر اساس آن می‌توان مخاطبان را به شناخت تولیدات متنوع رسانه‌ای در عصر حاضر در زمینه‌های مختلف وسایل ارتباطات جمعی مورد آموزش و پژوهش قرار داد (۴). تحمل ابهام به مدیران اجازه می‌دهد که با مسائل پیچیده درگیر شوند، دارای ذهنی باز برای پذیرش نظرات مختلف و به دنبال آن احتمال افزایش وجود یک موقعیت جدید شوند. بر این اساس مقاله حاضر در صدد است پس از بیان مساله، زمینه مبانی نظری تحقیق را مطرح نماید. تا شرایط مطالعه میدانی آن را در فضای تازه‌ای فراهم آورد.

بیان مساله:

شناسایی عوامل موثر در شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران می‌باشد و مسأله اساسی پژوهش این است که عوامل موثر در شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران، مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.

مبانی نظری تحقیق:

نظریات تفکر انتقادی، جست و جو و انگیزه برای دریافت دلایل منطقی و گسترش مهارت تفکر و قدرت تجزیه و تحلیل را گامی در جهت کسب تفکر انتقادی می‌دانند. تفکر انتقادی نیز یکی از جوانب تفکر است (۶). تفکر انتقادی برای درک دانش در هر زمینه ای لازم است (۷). انسان به طور طبیعی با دنیای خود نقادانه رابطه برقرار می‌کند. تفکر انتقادی به عنوان یک فعالیت مثبت، به فرآیندی امروزی برای رشد در جامعه و سازمان به شمار می‌آید. تفکر انتقادی تنها به یادگیری در آموزش عالی مربوط نمی‌شود، بلکه همه فعالیت‌های زندگی از جمله روابط بین فردی و کار را نیز در بر می‌گیرد. از نظر گاردنر مهارت‌هایی چون قدرت جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل، سازمان‌دهی، نتیجه‌گیری و ارائه بازخورد جزء مهارت‌های اصلی تفکر انتقادی می‌باشند.

تلاش برای تفکر انتقادی به تلاش‌های سقراط برای آگاه ساختن افراد از بنیادهای اندیشه‌شان و به چالش کشیدن آنچه آن‌ها بدیهی انگاشتند باز می‌گردد. پس از وی روش افلاطون در آکادمی که برگرفته از مباحثات سقراط با مردم زمانه خویش بود همین موضع را دنبال می‌کرد. در ادامه فلاسفه دیگری نیز این بعد از توانایی تفکر را مدنظر قرار دادند.

اصطلاح تفکر انتقادی برای اولین بار در سده پنجم پیش از میلاد در فرهنگ یونان و آتن ظهور یافت. سقراط نخستین فیلسوفی است که به داور روزگار خویش لقب یافت. روش تربیتی او بر پایه "گفتمان" بنا شد. گفتمان از اصول پساساختارگرایی است. به نظر افلاطون گفتمان هنر بحث کردن و تسلط یافتن بر آن است. هدف از گفتمان تهیه اطلاعات درباره یک موضوع نیست، بلکه غرض تعیین موضوعی است که باید مورد بحث قرار گیرد. سابقه تفکر انتقادی به آغاز فلسفه برمی‌گردد. یک حوزه بنیادی در فلسفه که به پرورداندن تفکر عقلانی به منظور هدایت رفتار متمرکز بوده است. فرانسیس بیکن در اوایل قرن هفدهم در انگلستان آشکارا به این مبحث پرداخت که چگونه ذهن انسان در کشف دانش به

عصر کنونی، عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات است. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب توسعه علم و تکنولوژی بوده است. از سوی دیگر با گسترش فناوری اطلاعات، انسان همواره با حجم بالایی از اطلاعات مواجه است، برای آن که بتوان علم و فناوری را در مسیر صحیح به کار گرفت، می‌بایست آن را مورد نقد و بررسی قرار داد. حجم بالای اطلاعات و پذیرش آن مستلزم پرورش قوه تمیز و تشخیص و داوری صحیح است که این امر به وسیله تفکر انتقادی محقق خواهد شد.

طرز تفکر، موضوع بسیار مهمی است، زیرا بر اساس آن فلسفه زندگی هر فردی ریخته می‌شود (۵). تفکر نهایت چاره‌جویی انسان است. کیفیت آینده ما تماماً به کیفیت تفکر ما بستگی دارد. این نکته هم در سطح فرد، هم در سطح جامعه و هم در سطح دنیا مصداق دارد. به طور کلی تفکر قابلیت است که فرد بتواند به وسیله آن مسأله‌ای را حل کند و یا حقیقتی را درک نماید. تفکر جزء ذاتی رشد انسان است و همین نکته بس که ما حیواناتی متفکریم (۶). تجهیزات، توانایی و زمینه کلی برای فکر کردن ممکن است ذاتی باشد، ولی راه‌های ویژه فهمیدن عالم آموختنی است. در بیست سال گذشته شاهد اقدامات اولیه جنبشی عظیم و نوین به حمایت گسترش خردورزی بوده ایم. این جنبش، تفکر انتقادی یا مهارت‌های تفکر نام گرفته است (۷).

ریچارد پل یکی از کارشناسان طراز اول تفکر انتقادی است. به نظر او تفکر انتقادی ارتباط مستقیم با مدیریت و مهارت تفکر دارد. و منبع قدرتی ذهنی - جسمی است که فرد را برای رقابت‌ها و چالش‌های دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده می‌سازد. هر چند از نظر پیچیدگی در درجه پایین‌تری از خلاقیت و خلق ایده‌های نو قرار دارد (۸).

بیشتر تحقیقات در زمینه تفکر انتقادی به بررسی این نوع تفکر به مثابه مهارت و اندازه‌گیری آن در بین دانش‌آموزان در شاخه علوم تربیتی پرداخته و از منظر مدیریتی و در قالب مسائل مدیریتی بدان توجه نکرده‌اند. به علاوه، نحوه و مکانیزم شکل‌گیری آن نادیده گرفته شده است. با توجه به آنچه مطرح شد، این تحقیق بر آن است که عوامل شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران را شناسایی کرده و مورد مطالعه قرار دهد و در نتیجه فرآیند مطالعه به دنبال

انحراف می‌رود. او فهمید که ذهن را نمی‌توان با اطمینان به گرایش های طبیعی‌اش تنها گذاشت و بر اهمیت ادراک تجربی جهان تأکید ورزید (۹). پنجاه سال پس از تلاش‌های بیکن، دکارت فرانسوی نیاز به تربیت خاص و منظم را برای پیشبرد نظام‌مند تعقل مطرح کرد. در واقع او روشی از تفکر انتقادی را که تحت مقوله «شک منظم» فعالیت می‌کند، پیشنهاد کرد. نظر دکارت این بود که تفکر با پرسش، شک و آزمون همراه باشد. پاول، الدر و بارتل (۹) می‌گویند که در همان دوران، سر توماس مور، آرمان شهری را مطرح کرد که در آن همه جوانب جهان موجود در خور انتقادند. به اعتقاد او همه نظام های اجتماعی موجود، نیازمند تحلیل و انتقاد عمیق‌اند. در انگلستان، هابز و جان لاک، اهمیت ذهن منتقد و متفکر منتقد را همان گونه که ماکیاوولی تأکید کرده بود در قرون ۱۶ و ۱۷ مطرح ساختند (۹). جان لاک از نوعی تحلیل حس مشترک از زندگی و تفکر روزمره دفاع می‌کرد. او مبانی نظری تفکر انتقادی درباره حقوق اساسی انسان و مسئولیت دولت‌ها را در فراهم کردن زمینه نقد مستدل شهروندان متفکر پی‌ریزی کرد.

در قرون ۱۷ و ۱۸ بسیاری از علما به مقوله تفکر انتقادی پرداختند که از آن میان می‌توان به رابرت بویل (قرن ۱۷) و ایزاک نیوتن در قرون ۱۷ و ۱۸ اشاره کرد. هر دوی آنها به شواهد تجربی و استدلال دقیق اعتقاد داشتند، ولی به قوانینی که قابلیت استدلال و آزمایش تجربی را ندارند، اعتقادی نداشتند. در قرن نوزدهم تفکر انتقادی جای خود را در بین رشته های مختلف انسانی باز کرد. آن گونه که پاول و الدر می‌گویند، کاربرد تفکر انتقادی در ارتباط با مسائل سرمایه داری، نقد اجتماعی و اقتصادی کارل مارکس را در پی داشت. در رابطه با مسائل تاریخ فرهنگ انسان و منشأ حیات زیست انسانی، به نظریه تکامل انسان داروین منجر شد، در رابطه با شعور ناآگاه، در آثار زیگموند فروید انعکاس یافت، در رابطه با فرهنگ به تأسیس مطالعات مردم شناختی منجر گردید و در رابطه با زبان به تأسیس رشته زبان شناسی و نیز مطالعات عمیق بسیار درباره کارکرد نمادها و زبان در حیات انسان انجامید (۱۰).

در نیمه دوم قرن بیست مباحث فلسفه پست مدرن مورد توجه محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفت. اصطلاحات مدرنیسم و پست مدرنیسم در دهه ۱۹۸۰ با مناظره هابرماس و فوکو وارد جامعه شناسی شد. از نظر جامعه شناختی، می‌توان نوعی ارتباط بین

ساختارگرایی، پساساختارگرایی و پست مدرنیسم قائل شد. پسا ساختارگرایی یکی از رویکردهای مهم پست مدرنیسم است که از دهه ۱۹۶۰ در ادبیات و مباحث فلسفی مطرح شد. اولین بنیان‌گذاران آن را اندیشمندان فرانسوی از جمله دریدا، فوکو و بارت دانسته‌اند. از عناصر اصلی رویکرد پساساختارگرایی، تفکر انتقادی و تعلیم و تربیت انتقادی است، مهارت‌های تفکر انتقادی مبتنی بر مهارت‌های اساسی تفکر، چون توجه به جزئیات روشن به منظور شناخت الگوها، مقایسه آنها، پیش‌بینی نتایج، دسته بندی و طبقه بندی موضوعات می‌باشد (۱۱).

تفکر انتقادی تفکر منطقی و تأملی با تمرکز بر تصمیم‌گیری درباره ی اینکه به چه چیزی معتقد باشیم یا انجام دهیم می‌باشد (۱۲). تفکر انتقادی فرایند منظم، هوشمندانه، فعالانه و ماهرانه در مفهوم سازی، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی اطلاعات جمع آوری شده یا پدید آمده از طریق مشاهده، تجربه، تفکر و استدلال به عنوان راهنمای باور و عمل به حساب می‌آید (۱۳). کاربرد استراتژی‌ها و مهارت های شناختی که احتمال نتایج مطلوب را افزایش می‌دهد همان تفکر انتقادی است (۱۴). تفکر انتقادی تفکری ماهرانه و پاسخگو است که قضاوت را به دلیل اینکه مبتنی بر معیار، خود اصلاح کننده و حساس نسبت به متن است تسهیل می‌کند (۱۵). در نهایت انجمن فلاسفه آمریکا با رهبری فاشن در یک بررسی دلفی که ۴۶ نفر از متخصصان حوزه تفکر انتقادی شرکت داشتند یک تعریف اجتماعی از تفکر انتقادی ارائه کردند. بر طبق نظر متخصصان (تفکر انتقادی قضاوتی هدفمند و خود تنظیم است که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استنباط، همچنین تبیین ملاحظات بدیهی، مفهومی، متدولوژیکی و معیاری مبتنی بر زمینه‌ای که قضاوت انجام می‌گیرد می‌شود.

نظریات تفکر انتقادی، جست و جو و انگیزه برای دریافت دلایل منطقی و گسترش مهارت تفکر و قدرت تجزیه و تحلیل را گامی در جهت کسب تفکر انتقادی می‌دانند. عوامل متعددی بر شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران موثر هستند که در جدول شماره ۱ ذکر شده است. در این مقاله به دلیل محدودیت فضایی از ذکر تمامی عوامل خودداری شده و تنها به ارائه ۴ عامل که موثرترین عوامل در بین مدیران وزارت بهداشت و درمان با توجه به

تحقیقات انجام شده می‌باشد پرداخته شده است که شامل موارد مطرح شده در مدل مربوطه می‌باشد.

جدول ۱. عوامل موثر بر تفکر انتقادی از نظر نظریه پردازان مورد مطالعه

نام دانشمند	عوامل موثر بر تفکر انتقادی
هابر ماس	۱- مباحثه ۲- توان اقتصادی خانواده ۳- ارتقای سطح امکانات ۴- گسترش فضای عمومی ۵- ارتباط و انسجام در سیستم اداری ۶- باز تولید کردن ارزش‌ها و نمادها و هنجارها ۷- تقویت توان تصمیم‌گیری (۱۶).
پیر بوردیو	۱- برابری طبقاتی ۲- ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی ۳- سرمایه فرهنگی ۴- موقعیت خانوادگی ۵- تطابق زبان خانه و مدرسه.
دیویی	۱- انگیزه ۲- مواجهه فعال استاد و شاگرد با مسائل ۳- ایجاد حس کنجکاوی در شاگردان ۴- بررسی مسائل به شیوه تجربی از سوی افراد ۵- آموزش مهارت‌ها و محاورات برای حل مساله ۶- ایجاد فضای دموکراتیک ۷- آموزش برای دستیابی به راه حل‌های جایگزین.
لیپمن	۱- فراگیری فلسفه و تقویت مهارت‌های شناختی ۲- پرورش قوه‌ی داوری و قضاوت در کودکان ۳- ایجاد فرصت برای پژوهش ۴- انجام مناظره ۵- مواجهه کردن دانش‌آموز با موقعیت‌های مبهم و تأمل در آن (۱۷).
فریره	۱- پرهیز از آموزش تلقینی ۲- پرهیز از تبدیل کردن مغز دانش‌آموزان به انباری از اطلاعات ۳- ایجاد فرصت نوآوری و خلاقیت ۴- آموزش مبتنی بر گفت و گو ۵- مواجهه کردن دانش‌آموز با مسائل واقعی در محیط اطراف ۶- انطباق محتوی آموزشی متناسب با تجربیات روزانه دانش‌آموزان (۱۸).
مایرز	۱- استادان ۲- تمرین نوشتن و کسب مهارت تجزیه و تحلیل ۳- ایجاد بحث در کلاس ۴- ایجاد تعادل بین محتوی و فرایند آموزشی.
فیشر	۱- استفاده از روش حل مسأله ۲- ارتقای اعتماد به نفس دانش‌آموزان ۳- ایجاد فرصت برای طرح ایده‌های خود با دیگران و ایجاد حس همکاری (۵).
اورمان	۱- انجام مباحثه ۲- نوشتن ۳- مشارکت گروهی در کلاس (۱).
وینچ	۱- آگاهی کامل از موضوع ۲- توانایی ارزیابی ضعف و قوت برخی از انتخاب‌ها و پیامدهای آن ۳- آموزش تفکر انتقادی و تمرین آن ۴- شناسایی علایق و توانمندی‌های فردی.
ویلیام پری	۱- مباحثه گروهی ۲- توجه به تمایلات انگیزشی (کنجکاوی، انعطاف‌پذیری، درک عقاید دیگران، فهم بیشتر تجدید نظر) ۳- جست و جوی اطلاعات ۴- جلب توجه دانش‌آموزان به دوروی درست یا غلط مسائل یا حتی بیشتر از آن در وجهه کثرت در مواجهه با مسائل گوناگون (۱۹).
انیس	۱- فهم و ارزیابی نیازهای استدلالی دانش‌آموزان ۲- گذراندن دروس پیش‌نیاز برای کسب مهارت تفکر انتقادی ۳- ایجاد فرصت بعد از یادگیری تا دانش‌آموزان در قالب فعالیت‌های مختلف آن را بکار گیرند ۴- پرهیز از آموزش مستقیم تفکر انتقادی و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای انجام آن (۲۰).
شفلر	۱- تجزیه و تحلیل ۲- جست و جوی اطلاعات ۳- کاربرد دقیق و تفکیک و تمایز اطلاعات از یکدیگر ۴- دلایل منطقی ۵- پیش‌بینی و انتقال اطلاعات (۱).

۱- انتخاب راه حل های جایگزین ۲- تحلیل اتفاقات مهم و پدیده ها با استفاده از منابع ثانوی ۳- توانایی نقد استدلال ها با بازبینی مجدد مطالب برای فهم و ادراک مطالب علمی ۴- دقت در مشاهدات ۵- تأکید بر تحقیق و رشد سطح اطلاعات افراد.

کرو

۱- دیالوگ و همکاری متقابل ۲- تمرین های افزایش دهنده پیوستگی و تقویت در یادگیری

روجیرو

تفکرانتقادی را برای تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه کسب کنند(۲۱).

امروزه رسانه ها نقش موثری در تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی هر جامعه ای می توانند داشته باشند هر چه مخاطبان منفعل تر باشند، رسانه ها نفوذ فرهنگی بیشتری بر عرصه های زندگی خواهند داشت. بنابراین سواد رسانه ای به مثابه تفکر انتقادی و استدلالی می تواند مخاطبان را فعال و پویا در برابر تولیدات و محصولات رسانه ای قرار دهد(۴).

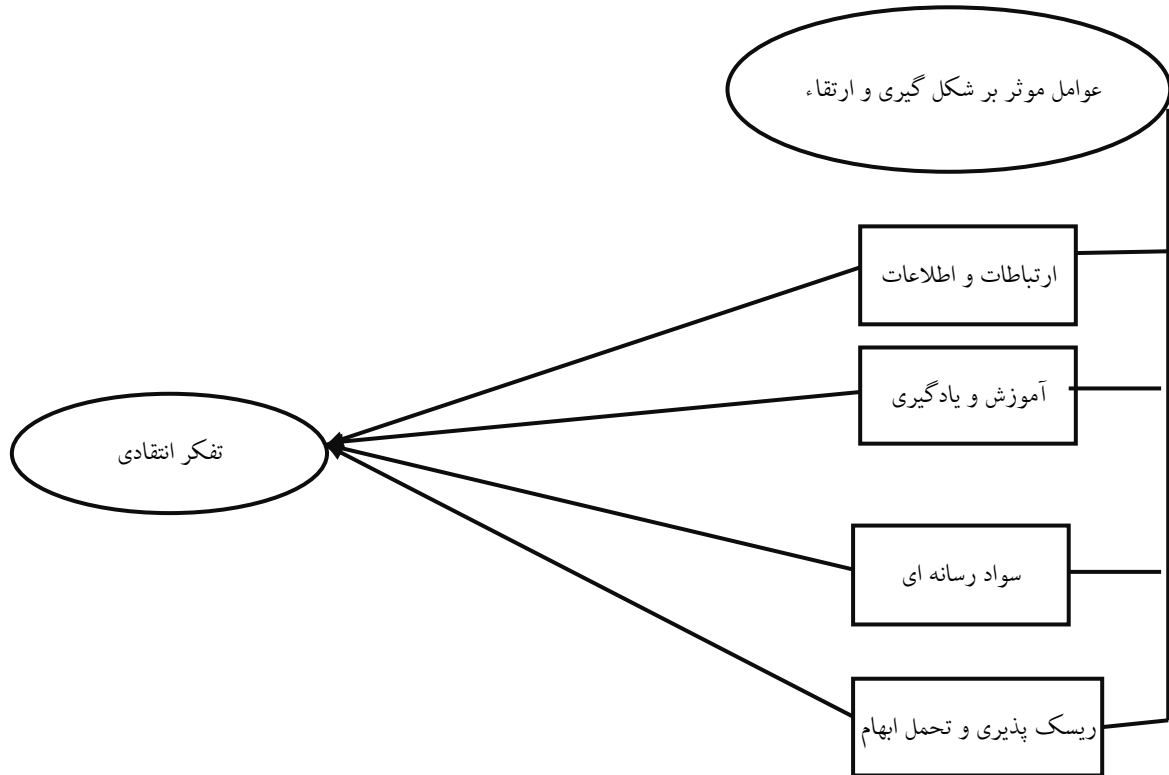
تحمل ابهام و ریسک پذیری: قدرت تحمل ابهام یکی از ویژگی های مهمی است که در آغاز و ادامه ریسک پذیری که منجر به موفقیت می شوند، نقشی اساسی دارد. قدرت تحمل ابهام، پذیرفتن عدم قطعیت است و به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات یا دانشی ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل مطرح می شود. کسی که تحمل ابهام بالایی دارد در تطبیق خود با محیط جدید و تازه، احساس تهدید و شکست نمی کند، چرا که وجود حدی از ابهام را به عنوان یکی از اصول زندگی پذیرفته است و می داند هیچ گاه اطلاعات ما برای تصمیم گیری کامل نیست(۲۲).

مدل مفهومی

عوامل موثر بر شکل گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران:

ارتباطات و اطلاعات: فناوری ارتباطات و اطلاعات نیروی است که بسیاری از جنبه های زندگی را تغییر می دهد(ران الیور، ۲۰۰۲). یکی از مهمترین اهداف یادگیری در قرن حاضر چگونگی تربیت یادگیرندگانی است که از آمادگی و توانایی لازم برای رویارویی با جامعه در حال تغییر و پیچیدگی های عصر اطلاعات برخوردار باشند. داشتن مهارت تفکر انتقادی به یادگیرندگان کمک می کند تا مفاهیم را با درک عمیق تر و با دوام تر یاد بگیرند و قادر باشند تا آنچه را یاد گرفته اند تبیین کنند، توضیح دهند و به کار بگیرند(۳). آموزش و یادگیری: در واقع، یادگیری تفکر انتقادی مشکل است، اما به یقین دست یافتنی نیست. در بسیاری از موارد صاحب نظران توانایی های تفکر انتقادی را به مهارت های تفکر انتقادی تعبیر کرده اند. مهارت هایی که یادگیری آن ها نیازمند تمرین هایی است که باید با تمرکز کامل انجام شود و برای انجام این تمرین ها طراحی، راهنمایی، ارائه و پس خوراند ضروری است.

سواد رسانه ای: واقعیت این است که امروزه افراد برای روبرو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم و مواجهه با انبوهی از رسانه ها باید به طور فزاینده ای مهارت های تفکر، به خصوص



اهداف اصلی از انجام پژوهش :

ارتباطات و اطلاعات بر شکل‌گیری تفکر انتقادی مدیران تأثیر
معنی‌داری دارد؟

۱-

آموزش و یادگیری بر شکل‌گیری تفکر انتقادی مدیران تأثیر معنی
داری دارد؟

شناسایی عوامل موثر در شکل‌گیری تفکر انتقادی مدیران

۲-

سواد رسانه‌ای بر ارتقای تفکر انتقادی مدیران تأثیر معنی‌داری
دارد؟

اهداف فرعی از انجام پژوهش:

تحمل ابهام و ریسک‌پذیری بر ارتقای تفکر انتقادی مدیران تأثیر
معنی‌داری دارد؟

براساس هدف اصلی فوق، اهداف فرعی تحقیق حاضر عبارتند از :

شناسایی میزان تأثیر ارتباطات و اطلاعات بر شکل‌گیری تفکر
انتقادی مدیران

شناسایی میزان تأثیر آموزش و یادگیری بر شکل‌گیری تفکر انتقادی
مدیران

شناسایی میزان تأثیر سواد رسانه‌ای بر ارتقای تفکر انتقادی مدیران

شناسایی میزان تأثیر تحمل ابهام و ریسک‌پذیری بر ارتقای تفکر
انتقادی مدیران

سوالات اصلی تحقیق :

۱-

عوامل در شکل‌گیری تفکر انتقادی تأثیر معنی‌دار دارد؟

۲-

عوامل در ارتقای تفکر انتقادی تأثیر معنی‌دار دارد؟

سوال‌های فرعی :

روش‌شناسی پژوهش :
با توجه به نحوه گردآوری اطلاعات، این پژوهش توصیفی از نوع
پژوهش‌های پیمایشی به شمار می‌آید. جامعه آماری تحقیق اصولاً
مرز تحقیق را نشان می‌دهد و عبارت است از قلمروی که فرآیند
پژوهش در آن حیطه انجام می‌گیرد، لذا بر حسب نیاز و ضرورت
جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران می‌باشد. در این پژوهش به
منظور تنظیم مبانی نظری از ادبیات و اسناد موجود استفاده شده است
و در مورد اطلاعات مربوط به افراد از منابع کتابخانه‌ای و اینترنت
استفاده کرده است. به منظور برآورد حجم نمونه از جدول
کرجسی و مورگان تعداد ۱۲۰ نفر انتخاب شدند که به روش
نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۹۲ نفر از مدیران به عنوان نمونه این
پژوهش انتخاب شدند. پژوهشگر از ابزار پرسشنامه جهت سنجش

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون متغیرهای مستقل و وابسته

تعداد گزینه ها	آلفای کرونباخ
۵	۰/۹۵۹

با توجه به اینکه ضریب آلفای بدست آمده از نمونه در تحقیق انجام شده ۰/۷۹۵ می باشد؛ این نتیجه حاصل خواهد شد که پرسشنامه از پایایی بسیار بالا و عالی برخوردار است. پس از تایید پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای تجزیه و تحلیل داده ها، از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده خواهد شد.

عوامل شکل گیری و ارتقای تفکر انتقادی در میان مدیران استفاده کرده است. این پرسشنامه با عنوان عوامل شکل گیری و ارتقای تفکر انتقادی دارای ۲۷ سوال با مقیاس درجه بندی در طیف لیکرت (۵ درجه ای) از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم بوده و روی نمونه پژوهش اجرا گردید.

روایی: روش های مختلفی برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری وجود دارد که یکی از آنها پرسش از متخصصان و خبرگان است و محقق در این تحقیق با نظر استاد راهنما این پرسشنامه را تهیه کرده است. پایایی: در این تحقیق برای تعیین پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۳. آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (KS)

اطلاعات و ارتباطات	آموزش و یادگیری	سواد رسانه ای	تحمل ابهام و ریسک پذیری	تفکر انتقادی
تعداد	۱۱۷	۱۱۷	۱۱۷	۱۱۷
میانگین	۴۲/۸۳۷۰	۲۳/۸۹۱۳	۲۲/۰۵۴۳	۲۸/۳۵۸۷
انحراف از معیار	۵/۱۹۵۷۸	۲۰/۶۸۲۶۹	۳/۹۹۲۷۵	۳/۸۰۱۶۲
قدر مطلق	۰/۹۹۰	۰/۰۸۴	۰/۰۸۵	۰/۱۲۴
مثبت	۰/۰۷۶	۰/۰۷۷	۰/۰۸۵	۰/۰۵۷
منفی	-۰/۵۹۹	-۰/۰۸۴	-۰/۰۶۷	-۰/۱۲۴
مقدار آزمون	۰/۹۵۴	۰/۸۰۸	۰/۸۱۳	۱/۱۸۵
سطح معنی داری	۰/۳۲۲	۰/۵۳۲	۰/۵۲۳	۰/۱۲۱

پارامتریک استفاده کرد؛ با توجه به اعداد جدول ۳، در این تحقیق باید از آزمون های پارامتریک استفاده شود.

سوال های اصلی تحقیق: بین عوامل موثر و شکل گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد.

در هر ۵ فاکتور اصلی تحقیق میزان سطح معنی داری (Sig) بیشتر از ۰/۰۵ است؛ از آنجایی که سطح معنی داری در هر ۵ فاکتور (بیشتر از ۰/۰۵) است، فرض H_0 (نرمال بودن فاکتورهای اصلی در تحقیق) تأیید و فرض H_1 (نرمال نبودن فاکتورهای اصلی در تحقیق) رد می شود. در صورت نرمال (معمولی) بودن فاکتور یا شاخص های یک تحقیق، جهت تجزیه و تحلیل داده های تحقیق باید از آزمون های

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین عوامل موثر و شکل گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران

مؤلفه ها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
عوامل موثر و شکل گیری تفکر انتقادی	۱۱۷	۰/۶۷۸**	۰/۰۰۰
عوامل موثر و ارتقای تفکر انتقادی	۱۱۷	۰/۷۳۹**	۰/۰۰۰

در جدول ۴ نیز سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است. پس این نتیجه حاصل خواهد شد که فرض H0 (همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد) رد و فرض H1 (همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد) تایید می شود.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین اطلاعات و ارتباطات، آموزش و یادگیری و شکل گیری تفکر انتقادی مدیران

مؤلفه ها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اطلاعات و ارتباطات و شکل گیری تفکر انتقادی	۱۱۷	۰/۷۳۶**	۰/۰۰۰
آموزش و یادگیری و شکل گیری تفکر انتقادی	۱۱۷	۰/۸۳۱**	۰/۰۰۰

از میزان همبستگی پیرسون که در جدول ۵ عدد ۰/۷۳۶ و ۰/۸۳۱ بیان شده است، می توان دریافت که میزان همبستگی متغیرها با یکدیگر نیز زیاد است. در جدول ۵ سطح معنی داری نیز کمتر از ۰/۰۵ است. پس این نتیجه حاصل خواهد شد که فرض H0 (همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد) رد و فرض H1 (همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد) تایید می شود.

فرضیه های فرعی سوم و چهارم: بین سواد رسانه ای، تحمل ابهام و ریسک پذیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین سواد رسانه ای، تحمل ابهام و ریسک پذیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران

مؤلفه ها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سواد رسانه ای و ارتقای تفکر انتقادی	۱۱۷	۰/۴۰۹**	۰/۰۰۰
تحمل ابهام و ریسک پذیری و ارتقای تفکر انتقادی	۱۱۷	۰/۵۱۱**	۰/۰۰۰

از میزان همبستگی پیرسون که در جدول ۶ عدد ۰/۴۰۹ و ۰/۵۱۱ بیان شده است، می توان دریافت که میزان همبستگی متغیرها با یکدیگر نیز زیاد است. در جدول ۶ سطح معنی داری نیز کمتر از ۰/۰۵ است. پس این نتیجه حاصل خواهد شد که فرض H0 (همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود ندارد) رد و فرض H1 (همبستگی معناداری بین دو متغیر وجود دارد) تایید می شود.

نتیجه گیری

فرضیه اصلی: بین عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون درباره این فرضیه نشان داد که بین عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته باید گفت که هر چه عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری قوی‌تر باشد تفکر انتقادی در مدیران بیشتر ارتقاء خواهد یافت، زیرا مدیران توانمند با تفکر انتقادی بالاتر می‌توانند هدف مطالب را بهتر تشخیص دهند و به ارتباط موجود در بین مطالب زودتر از دیگران پی ببرند.

فرضیه‌های فرعی اول و دوم: بین اطلاعات و ارتباطات، آموزش و یادگیری و شکل‌گیری تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد. نتایج همبستگی پیرسون درباره این فرضیه نشان داد که بین اطلاعات و ارتباطات، آموزش و یادگیری و شکل‌گیری تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته باید گفت که هر چه میزان دسترسی به اطلاعات و ارتباطات بیشتر و مدیران تحت آموزش

بیشتری قرار بگیرند و فرایند یادگیری بروزرسانی شده باشد میزان تفکر انتقادی مدیران بهتر شکل خواهد گرفت، زیرا مدیران توانمند با اطلاعات و ارتباطات، آموزش و یادگیری بیشتر با نگاه نقادانه‌تر و حساس‌تر به سازمان نگاه کرده و برای ایجاد تغییرات کارساز در سازمان تلاش بیشتری خواهند داشت.

فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم: بین سواد رسانه‌ای، تحمل ابهام و ریسک‌پذیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد. نتایج همبستگی پیرسون درباره این فرضیه نشان داد که بین سواد رسانه‌ای، تحمل ابهام و ریسک‌پذیری و ارتقای تفکر انتقادی مدیران رابطه وجود دارد. در تبیین این یافته باید گفت که هر چه میزان سواد رسانه‌ای، تحمل ابهام و ریسک بیشتر باشد تفکر انتقادی مدیران ارتقاء خواهد یافت، زیرا مدیران توانمند با داشتن سواد رسانه‌ای، تحمل ابهام و ریسک‌پذیری بالاتر می‌توانند تفکر انتقادی بالاتری داشته باشند و در نتیجه بهتر می‌توانند ایده‌های زیر دستان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

References

1. Barnett, R. & Coate, K. (2005). *Engaging the curriculum in Higher Education*. New York: USA.
2. Facione, P. A. (2011). *Critical thinking: What it is and why it counts (a resource paper)*. Millbrae, CA: California Academic Press.
3. Heidary M, Alipour A, Farzad V, Ebrahimzadeh I, Zandi B. Structure and Normalization of the Test of Information Technology Literacy and Critical Thinking of Independent Learner (ILST) in E-Learning System, *Education and Learning Periodical* 2013; 1 (2) : 67-83. [In Persian].
4. Sharbatian, Mohammad Hassan (1393). *Media Literacy as Critical Thinking*, Tehran: Proceedings of the First International Conference on Media Literacy in Iran.
5. Shamloo, Saeed (2005), *Schools and Theories in Personality Psychology*. Tehran: Roshd.
6. Fisher, A. (2002), *Critical thinking: an introduction*, The university press of Cambridge, [http:// www. cambridge.org](http://www.cambridge.org).
7. Fisher, R. (2006). *Education and Thinking*. Kianzadeh, F. (Translator). Ahvaz: Rasesh publication. [In Persian].
8. Paul, RW. (1993). *Critical thinking: How to prepare students for a rapidly changing world*. 1st ed. Sata Rosa: CA, Foundation for Critical Thinking.
9. Paul, R., Elder, L., & Bartell T. (1997). *California Teacher Preparation for Instruction in Critical Thinking Research Findings and Policy Recommendations*. Sacramento, CA: The Foundation for Critical Thinking.
10. Jamshidian Ghaleh Sefidi, Turan, Farahani, Ali Akbar. (2009). *Relationship between mother tongue, gender and age with the level of critical thinking*. *Foreign Languages Research*, No. 55-71-86.
11. Stella, Cottrell (2005). "Critical Thinking Skills", *Developing Effective Analysis and Argument*, palgrave, Macmillan.
12. Ennis RH. (1991). *Critical thinking: A streamlined conception*. *Teaching Philosophy*, 14 (1): 5-24.
13. Striven, M, & Paul, R. (2004). *Defining critical thinking: A draft statement for the National Council For Excellence in Critical Thinking* [on-line]. Available HTTP: [http:// www.Criticalthinking.org/University/univlibrary/library.Nclk](http://www.Criticalthinking.org/University/univlibrary/library.Nclk).
14. Halpern DF. (2003). *Thought and knowledge: An introduction to critical thinking*. 4th ed. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
15. Lipman, Matthew (1995). *Moral Higher Order Thinking And Philosophy For Children. Early Childhood Development And Care*. Vol.107.
16. Turner, M. (2002). 'Double-scope stories', in *Narrative Theory and the Cognitive Sciences*, David Herman (ed.), Stanford: Center for the Study of Language and Information.
17. Jahani, Jafar, *An Introduction to Research Methods in Critical Thinking*, Malek Soleiman Publishing, Shiraz, 2003.
18. Shabani Hassan (1383), *Advanced Method (Attention to Transcendence of Thought)*. Ann: Samat Publications.
19. Wheeler, L. A. & Collins, S. K. (2004). *The influence of concept mapping on critical thinking in baccalaureate nursing students*. *Journal of Professional Nursing*, 19 (6), 339-346.
20. Ennis, R. (1996). *Critical Thinking*, (Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.

21. Nouhi, A., Salehi, S., Sabzevari, S. (1393). The Relationship between Critical Thinking and Learning Styles in Nursing Graduate Students, Journal of Developmental Steps in Medical Education.
22. Zenasni F, Besancon M, Lubart T. Creativity and Tolerance Ambiguity: An Empirical Study. Journal of creative behavior 2006. Available from: <http://www.psychology.univ-paris5.fr>.